



# آیا کاریکاریست‌ها هم به سفر می‌روند؟

## Do Cartoonists Travel Too?

محمد علی بنی اسدی

داستانی را از دوره نوجوانی به یاد دارم:  
ماهی کوچکی که تا صبح نخفت و به فکر رفتن  
بود. رفتن برایش هدف شده بود، دور شدن و  
دیدن تمام چیزهایی که فرصت آزمودنشان را  
نیافته بود. دیدن تازگی‌ها.

در ادبیات تمام ملل، داستان‌های شگفت‌انگیز  
بی شماری وجود دارد که شرح حال رفتن  
ها است. قهرمان داستان حرکتش را از جایی  
آغاز می‌کند، دوری می‌زند و بر می‌گردد. گاه  
این گردش، سالیان سال به طول می‌انجامد  
اما سرانجام قهرمان به سرزمین خویش باز



Parga, 1985  
44 x 29 cm, pen and ink drawing

می‌گردد و چیزی را با خود می‌آورد که دیگران نیز از آن بهره‌مند می‌شوند. گاه آنچه آورده می‌شود تحفه‌ای نایاب است و گاه تجربه‌ای که شرح کامل آن روزها به طول می‌انجامد. در اینجاست که شاید شنوندگان علاقه‌مند بتوانند آنچه را او نقل کرده است، به نوعی تجربه کنند.

آن‌کس که رفته و سپس باز آمده، غالباً خردمند تر و عاقل‌تر از دیگران می‌نماید، زیرا می‌تواند از چیزهای شگفت‌آوری سخن بگوید که دیگران ندیده و تجربه نکرده‌اند. حال اگر کمی تخیل هم در گزارش کردن این تجربیات به کار گرفته شود، دیگر کسی را ایرای مقاومت نخواهد بود. شاید بدین خاطر بوده که سفرنامه‌ها این‌گونه با اقبال خوانندگان روبه‌رو شده‌اند و حتی سفرنامه نویسی خود به شیوه‌ای ادبی بدل شده که بسیاری حتی پیش از آن‌که گذارشان به جایی بیفتد، از شرح و بسط رفتن و دیدارهایشان نوشته‌اند. ایتالو کالوینو کتاب شهرهای نامرئی را این‌گونه نوشته است. پیش از او، ژول ورن گزارش یک سفر هشتاد روزه به دور دنیا را نوشته که پر از وقایع شگفت‌انگیز و ماجراجویانه تخیلی است.

اما در عالم واقع، می‌توان بخشی از انتقال تجارب و تبادلات فرهنگی در سراسر جهان را از آن کسانی دانست که آمدند و دیدند و رفتند و برای دیگران نقل کردند. در این میان، از همه بهتر گزارش‌های گروه‌هایی است که افرادشان هر کدام در کاری سرورشته داشتند. یکی می‌نوشت، دیگری طراحی می‌کرد و دیگران هم کمک می‌کردند. این آثار اکنون سندهای مهمی

### در مقدمه کتابی که حاوی مهم‌ترین کارهای آدولف بورن است، آمده: حتی پیش از تولد نیز علاقه زیادی به سفر داشته است.

در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، هنر، معماری و فرهنگ مردم‌اند.

شاید سفرنامه مادام دیولافو نمونه بسیار خوبی از این دست باشد. او به همراه همسرش که مهندس و باستان‌شناس معروف فرانسوی مارسل دیولافو بود، در ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۰ شمسی) از راه ترکیه به ایران آمد و پس از مطالعات و مشاهدات فراوان کتابی را به همراه تصاویری بسیار دقیق و استادانه منتشر کرد. شکل اصلی بناها، شکل پوشش و جامه و انواع شغل‌ها در این کتاب بسیار خاطر‌ه‌انگیز می‌نماید. اما حال که عکاسی پیشرفت حیرت‌آوری داشته و مجلات تخصصی در گوشه و کنار

جهان با گزارش‌های دقیقی به چاپ می‌رسند، شاید دیگر نیاز چندانی به سفرنامه‌ها احساس نشود.

### آیا کاریکاتور نیست‌ها هم به سفر می‌روند؟

هر کسی که می‌اندیشد و تخیل از اسباب و ادوات همیشگی او است، دائماً در حال گردش است. خصوصاً یک طراح طنزاندیش آن‌هم کاریکاتور نیست معروف و مهمی چون آدولف بورن. در مقدمه کتابی که حاوی مهم‌ترین کارهای او است، آمده: «حتی پیش از تولد نیز علاقه زیادی به سفر داشته است، در دوران جنینی و در زمانی که مادرش حداقل هفته‌ای دو بار برای خریدهای روزانه جاده چک اسلواکی را می‌پیمود و به اتریش می‌رفت! او خود هفده سال بعد توانست به اتریش برود و این کشور را با چشمان خود ببیند. وی در دهمه ۶۰، سفرهای خود را به سراسر دنیا آغاز کرد.»

آدولف بورن متولد ۱۲ ژوئن ۱۹۳۰ در شهر سزک و لنسی در مرز چک و اتریش است. وی



42 x 37 cm, pen and ink drawing  
Cauthwala, 1974

از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ در دانشگاه هنرهای کاربردی پراگ درس خواند و تا سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هنرهای زیبا تحت نظر استادی بزرگ چون آنتونین پله به تحصیل ادامه داد. پذیرش آثار وی در ورای مرزهای کشورش، برنده شدن کارهایش و همکاری برای ساختن فیلم‌های انیمیشن فرصتی را فراهم آورد تا او به کشورهای زیادی سفر کند. او توانست از کشورش که تا سال‌ها شبیه قلعه‌هایی با قفل‌های سنگین و غیرقابل عبور بود، به واسطه تحولاتی که در شکل رژیم سیاسی آن رخ داد، گام به بیرون بگذارد.

«بیدن» آن هم برای طراح با استعداد و هوشمندی چون برون اتفاق بسیار خوش آیندی بود تا انبان جادویی تصاویر ریز و درشتی را که در هر حرکت بسیاری از آن‌ها را در گوشه و کنار آثارش می‌پراکند، پربرتر کند. آیا او یادداشت‌هایی شخصی از این سفرها نوشته است یا خیر که بی‌گمان باید چنین باشد، ولی طرح‌هایی که یادگار این سفرها است گاه در مجموعه آثارش به چاپ رسیده یا در مجله معتبر «نبلشپالتر» (مجله سوئیسی آلمانی) صفحاتی را به خود

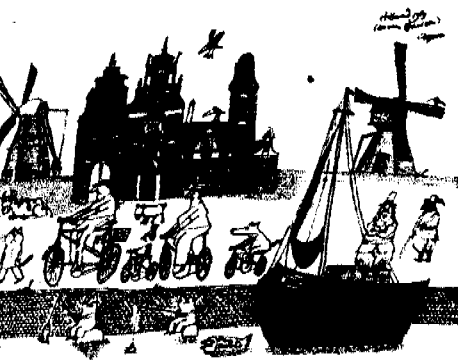


اختصاص داده است.

آدولف بورن در این آثار ناقل بی واسطه آنچه دیده است، نیست. اصولاً مخاطبان کاریکاتور ناگفته انتظار دارند که از چشم یک طراح طنز فضایی متفاوت با آنچه که خود شاهدند، ببینند. برای آدولف بورن سابقه تاریخی بسیار اهمیت دارد. او نمی تواند یونانی را ترسیم کند که اسطوره ها در کوچه و خیابان هایش پرسه زنند و مشغول اعمالی عجیب و غریب نباشند. برای او، شلوغی میدان سنت مارکو در ایتالیا و یا همهمه هایی از این دست دایره های وسیع برای طبع آزمایی است.

تصاویر او از هلند عناصر مشخص این کشور را در خود دارد: آسیاب های بادی، دوچرخه سوارها، کربه های ماهیگیر، نقاشانی چون روبنس و ورمیر و هولباین و رامبراند و ون گوگ تا پیت موندریان و قایقی درکناره های رود که نشان از روزگاری دارد که هلند قدرت دریایی مهمی به شمار می رفت و به همین جهت است که نیویورک از مستعمرات هلند است و در اجاره آمریکا هر چند این عناصر بسیار کلی اند و ممکن است کسی بگوید که بدون سفر به هلند هم می توان چنین عناصری را شناخت.

در تعداد انمکی از طرفی ها، می توان کمی ساده گیری را در کار مشاهده کرد ولی امضای بورن که همان مشخصه نگاه او است، در تمامی این طرح ها به چشم می خورد و برداشت او را از آنچه دیده است می نمایاند که شاید بدون سفر ممکن نمی شد. ولی در هر اثری که او آفریده آن قدر فضای تخیلی اش بر هنر منحنی چیره و غالب است که گاه باور این که وی سال ها بر اساس نوشته های نویسندگانی بسیار متفاوت با یکدیگر کار کرده است، عجیب به نظر می آید. این از ویژگی های بارز بورن است که لبه های شکل دهی یک طرح را تا به آنجا پیش می برد که در نهایت سفرنامه ای می شود از شهر کاملی که وی در ذهن خود دارد و هر متن و یا سوژه فیلم و یا نقطه ای جغرافیایی خاص فقط مکانی گذرا است که لحظه ای بعد جایش را به جای دیگر می دهد.



Holland, 1989

38 x 27 cm, pen and ink drawing



ni, 1997

x 29 cm, pen and ink drawing



San Marco, 1974

42 x 37 cm, pen and ink drawing

